

در این شماره می خوانید:

# حکایت نظر

خبرنامه داخلی

مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد)

سال نهم، شماره ششم

بهمن و اسفند ۱۴۰۰

۲ تحلیل گفتار یازدهم از تفسیر هدی

۴ مبانی پارادایمی نظریه زن

۵ ساختار تناسب اهداف پارادایمها در فصل سیاسی سند الگو

۶ نظریه ولایت فقیه در دین

۸ پارادایم و فلسفه دین شناخت شهر و سکونتگاهها

به نام خداوندگار حکمت تغییر

## پیش حکایت

در این شماره بیشتر از فقه گفته شده است. فقه بر رسم دیرینش، دانش آموزه‌های استنباطی قوانین و احکام بر حرکت و تحرک و فعل انسان مختار تعریف شده است. فلسفه فقه، معرفت تازه‌بنیاد درجه دومی است:

۱. تاجیستی این علم یا هر علم، به چرایی آن علم پیوند خورد؛ چنان‌که چرایی آن علم با چگونگی آن علم پیوند یابد و این دو فرآیند، تابع یک منطق و روش شناسی معین باشد؛
۲. تا کارکرداری آن علم نیز در دستور نظام تولید علم قرار گیرد و ساخت معرفت شناخت آن علم با هدف ترسیم برای آن علم، پیوند خورد. آموزه‌های «أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» در آیه ۱۷۷ سوره بقره و تحلیل نظری «لَعَلَّكُمْ» در آیه ۱۸۹ سوره بقره، نمونه این فهم فلسفه فقهی است؛
۳. تا سهم نسبت علم فقه با دیگر علوم و به تعبیری مناسبات علم فقه، در سامانه جامع معارف درون دینی و علوم بیرون دینی و به تعبیری نظام جامع ادراکات معین شود و از این رهگذر، شبکه پیوسته علوم، ناظر به مسأله معین حیات شناسایی شود؛
۴. تا جریان تحول آن علم با نظر به پیشینه آن دانش (تاریخ علم فقه) معین شود و چشم انداز پیش روی تحولات مطلوب در آن علم به روشنی گراید؛
۵. و در این راستا و از جمله تعیین تکلیف وضعیت علم در برابر نیازها و انتظارات و مسائل جهان جدید و توقعی که از ماهیت و ساختار این علم در مدیریت جهان مدرن و پسا مدرن می‌رود؛

۶. و تا در این راستا کارکرد منطق معرفت و به تعبیری علم اصول با فلسفه تازه‌ای که برای خویش خواهد داشت و در یک نظام استنباطی تازه‌ای قرار خواهد گرفت، در مثل بازخوانی منطق معرفت در «الاسس المنطقیه للاستقراء» عازم فهم سیستمی فقه و به این قرار آفرینش فقه نظام یا فقه سیستمی شود.
- این هدف‌گذاری، به اعتباری فلسفه فلسفه علم فقه را رقم می‌زند. باید که در پژوهش فلسفه فقه، اهداف نظام‌واره چندی را پیش رو داشت:

۱. اهتمام به سرمشق غالب فکری فقه احکام در افق فقه دین؛
۲. با نظر به بنیان فلسفه دینی هرگونه معرفت (مرجعیت معین مقاصدی آموزه‌های دین برای فقه) و از جمله معرفت فقهی، فراهم‌سازی مبنای پارادایمی و به طور خاص معرفت‌شناخت پردازش فقه نظام پیشرفت در برابر فقه سکولار در حال رواج در ایران معاصر؛
۳. زمینه‌سازی رهسپاری به ارکان مبنای فلسفه معرفتی نظام مدنیت معاصر و به طور خاص جمهوری اسلامی ایران بر مدار اصالت فقه در نسبت با ولایتمندی آن.

در این شماره گزارش‌های زیر پیش روی مخاطب قرار می‌گیرد:

۱. در گروه پژوهش تفسیری فرازهای گام تازه پژوهش در تفسیر هدی با گزارش «تحلیل گفتار یازدهم از تفسیر هدی» مرور می‌شود؛
۲. در گروه پژوهشی فقه و حقوق نیز گزارش «مبانی پارادایمی نظریه زن» پیش رو است؛
۳. در گروه تحقیق و توسعه و مطالعات راهبردی دو گزارش «ساختار تناسب اهداف با راهبردها در فصل سیاسی سند الگو» و «نظریه ولایت فقیه در دین» در دستور تأمل است؛

۴. در گروه پژوهش‌های هنری گزارش «پارادایم و فلسفه دین شناخت شهر و سکونتگاهها» معرفی می‌شود؛

۵. گزارش «نقد کتاب «نظریه‌سازی دینی در علوم اجتماعی با تطبیق بر جامعه‌شناسی خانواده» نیز در بخش رویداد علمی محل نظر است.

## پردازش حیث استنادی اندیشه مرجع به متن نص (قرآن کریم و سنت اوصیایی)

دبیر علمی: رضوانه دستجانی

گروه مطالعات تفسیری، در بخشی از تکاپوی دانشی خود، پردازش حیث استنادی اندیشه مرجع تفسیری به متن نص (قرآن کریم و سنت اوصیایی) را در دستور هم‌اندیشی، پژوهش و تألیف دارد و برای نمونه، در این شماره گزارش «تحلیل گفتار یازدهم از تفسیر هدی» به معرض نظر می‌آید.

پژوهش تفسیری «تفسیر هدی»، اولین مرحله این گام‌های عظیم است و خود در چهارده مکتوب به سامان رسیده است: کتاب اول: با عنوان «گفتار در بینش، جهت و خواهانی جامع» به همراه «پیش‌گفتاری در روش برگزیده تفسیر»؛ کتاب دوم: «گفتار در بینش به الگوی زندگی مثبت»؛ کتاب سوم: «گفتار در اصول راهبری به رشد»؛ کتاب چهارم: «گفتار در گفتگوی بین‌الادیانی تمدنی با انواع تجارب تاریخی»؛

کتاب پنجم: «گفتار در مدیریت عینیت»؛ کتاب ششم: «گفتار در مدیریت آینده»؛ کتاب هفتم: «گفتار بلوغ عارفانه وجود»؛ کتاب هشتم: «گفتار در انداز خلاق»؛

کتاب نهم: «گفتار در توصیف انسان کامل محمدی - علوی»؛ کتاب دهم: «گفتار ماهیت رستاخیز، چستی ادامه ما»؛ کتاب یازدهم: «گفتار جاری قیامت در متن عینیت حیات»؛ کتاب دوازدهم: «گفتار در برآمدن شهودی سیمرخ خودی، انسان در میان‌بودگی سیمرخ خودی»؛ کتاب سیزدهم: «گفتار در بخشش شاهد سیمرخ به خویش»؛

## تحلیل گفتار یازدهم از تفسیر هدی

در ادامه کارگاه پژوهشی تفسیر هدی در دو ماه بهمن و اسفند، گفتار یازدهم این پروژه پژوهشی در دستور کار قرار گرفت. یک نظام اندیشه‌ای در تحلیل تفسیری قرآن کریم با ایده محوری «اندیشه برای ترقی» برای «راهبری تا رشد» به منظور گذار از سطح مباحث مرسوم تفسیری در تبیین آموزه‌های دین، به مثابه دانشی برای رشد، رهسپار رویکرد توسعه‌ای شده تا مستند حاکمیت مدیریت دین‌شناختی راهبردی تحقیق و توسعه ملی باشد. فرآیند پیش‌بینی‌شده این تفسیر در سه مرحله شکل می‌گیرد:

۱. مرحله اول: تفسیر ترتیبی - سیستمی قرآن کریم به مدد ایده سامان یافته اندیشه ترقی؛
۲. مرحله دوم: تفسیر سیستمی - موضوعی در بسط نظام‌های راهبری تغییر: نظام تعلیم و تربیت، نظام سیاسی، نظام اقتصادی، نظام فرهنگی و...؛
۳. مرحله سوم: گذار به گفتمان تحقیق و توسعه‌ای تا سند راهبردی تحقیق و توسعه ملی.

“

فهم حکیمانه قرآن کریم، متن سلوکی وجودی سالک است. این فهم با سه منظر تا اکنون شکل گرفته است: ۱. منظر اول: نگاه به اصل جریان وجود و دانستن الگوی تدبیر زندگی در متن روزگار. یعنی پیشنهاد نظریه رشد؛ ۲. منظر دوم: بازفهمی چندباره الگوی پیشنهادی با نوعی مطالعه و تحلیل مقایسه‌ای در مقایسه با انواع ادیان و دوره‌های تمدنی، فهم تفصیلی‌تر الگوی پیشنهادی دیانت محمدی در مثل سوره آل عمران و نیز سوره هود تا سوره انبیاء؛ ۳. منظر سوم: دو منظر پیشین نگاهی به جریان رشد از منظر عینیت پیش روی ماست. از جایی که ایستاده‌ایم، این‌جا که زندگی می‌کنیم. جایی که وقتی به خود می‌نگریم، خود را او آن‌جا تفسیر می‌کنیم و اکنون نوبت به منظر «او این جایی» است. در این نگاه او آن جایی این‌جاست.

”

پیشنهادی دیانت محمدی در مثل سوره آل عمران و نیز سوره هود تا سوره انبیاء؛

۳. منظر سوم: دو منظر پیشین نگاهی به جریان رشد از منظر عینیت پیش روی ماست. از جایی که ایستاده ایم، این جا که زندگی می‌کنیم. جایی که وقتی به خود می‌نگریم، خود را او آن جا تفسیر می‌کنیم و اکنون نوبت به منظر «او این جایی» است. در این نگاه او آن جایی این جاست.

بخش‌های این گفتار همپای گذار هر از چندی به اصل آن چشم‌انداز به موضوعات ملموسی مانند موضوع طلاق، مسایل فیما بین پیامبر ﷺ و همسران و... می‌پردازد. و این گونه است که یافته می‌شود کتاب حکیم، کتاب ذکر است.

می‌توانیم اکنون از چشم قیامتی سخن بگوییم. همان حکایت «تو مو می‌بینی و من پیچش مو، تو ابرو بینی و من اشارت‌های ابرو». تو امروز را و من فرجام امروز را.

پس از باز شدن چشم اخروی، در گفتار دهم، همه موضوعات و نمونه‌های ذکر شده در گفتارهای پیشین، دوباره ذکر می‌شود، ولی با تفسیری عارفانه از آن موضوعات. حال با آن روح اخروی، از اول با عینیت زندگی پیوند می‌خورد و به زندگی با نگاه تازه‌ای می‌نگری. این گفتار در ۱۵ سوره شکل گرفته و به این مطلب پرداخته شده که قیامت می‌تواند چشم‌انداز زندگی باشد.

اکنون می‌توان بخش‌های این گفتار را برشمرد:

بخش اول: در عینی‌ترین چیز، در مثل احکام طلاق، احکام جنسیتی با سوره طلاق؛

بخش دوم: آدم‌های اهورایی نیز در گروهی واقعیت‌های بحرانی با سوره تحریم؛

بخش سوم: جریان قدرت الهی در متن حیات با سوره ملک؛

بخش چهارم: جریان دانایی و نیایش در متن حیات با سوره قلم؛

بخش پنجم: قیامت و فرجام دو انتخاب با سوره حاقه؛

بخش ششم: و باز قیامت و فرجام دو انتخاب در آخرین مرحله صعود با سوره معارج؛

بخش هفتم: نیایش‌های نوح برای فرجام اخروی مردمان خود با سوره نوح؛

بخش هشتم: جنیان و گفتگو با پیامبر با سوره جن؛

بخش نهم: آفرینش شب، تبدیل روز با سوره مزمل؛

بخش دهم: آیین راهبری خلایق با سوره مدثر؛

بخش یازدهم: شرط‌ها و ویژگی‌های قیامت با سوره قیامت.

“

یک نظام اندیشه‌ای در تحلیل تفسیری قرآن کریم با ایده محوری «اندیشه برای ترقی» برای «راهبری تارشد» به منظور گذار از سطح مباحث مرسوم تفسیری در تبیین آموزه‌های دین، به مثابه دانشی برای رشد، رهسپار رویکرد توسعه‌ای شده تا مستند حاکمیت مدیریت دین‌شناختی راهبردی تحقیق و توسعه ملی باشد. فرآیند پیش‌بینی شده این تفسیر در سه مرحله شکل می‌گیرد:

۱. مرحله اول: تفسیر ترتیبی - سیستمی قرآن کریم به مدد ایده سامان یافته اندیشه ترقی؛

۲. مرحله دوم: تفسیر سیستمی - موضوعی در بسط نظام‌های راهبری تغییر: نظام تعلیم و تربیت، نظام سیاسی، نظام اقتصادی، نظام فرهنگی و...؛

۳. مرحله سوم: گذار به گفتمان تحقیق و توسعه‌ای تا سند راهبردی تحقیق و توسعه ملی.

”

- کتاب چهاردهم: «گفتار در خودی خویش».

کتاب یازدهم «گفتار جاری قیامت در متن عینیت حیات» از تفسیر نظام یافته «ترتیبی - نظام‌واره» این قلم است و در یازده بخش سامان یافته است.

شروع این گفتار از سوره طلاق است و نوعی تغییر لحن از گفتار قبلی به این گفتار دیده می‌شود. قبل از آن در سوره ق تا تعابیر از منظر باطن به زندگی می‌نگرد، قیامت و... و یکبار در سوره طلاق از احکام حقوقی زوجین و... سخن می‌گوید.

فهم حکیمانه قرآن کریم، متن سلوکی وجودی سالک است. این فهم با سه منظر تا اکنون شکل گرفته است:

۱. منظر اول: نگاه به اصل جریان وجود و دانستن الگوی تدبیر زندگی در متن روزگار. یعنی پیشنهاد نظریه رشد؛

۲. منظر دوم: بازفهمی چندباره الگوی پیشنهادی

با نوعی مطالعه و تحلیل مقایسه‌ای در

مقایسه با انواع ادیان و دوره‌های

تمدنی، فهم تفصیلی تر الگوی



## فرآوری ساحت حقوقی و فقهی نظریه پیشنهادی پیشرفت (فقه نظام پیشرفت)

دبیر علمی: زهرا نجفی

گروه فقه و اصول در فرآوری ساحت حقوقی و فقهی نظریه پیشنهادی پیشرفت یا فقه نظام پیشرفت، اهتمام بلندی را کلید زده است و در این مجال گزارش «مبانی پارادایمی نظریه زن» مطرح می‌شود.

ذیل دستاوردهای معرفت‌شناسی، گفتنی است: بازنگری‌های معرفت‌شناسانه و روش‌شناسانه دین‌پژوهی و زن‌پژوهی، توجه به تأثیر تحولات اجتماعی و اقتصادی و نیز مقتضیات زمان - مکان در استنباط‌های فقه‌های شیعی، اولویت‌دادن به بررسی جدی مسائل، قوانین و مقررات شبه‌انگیز، جرأت به خرج دادن در تبیین حقوق زنان و اختیارات آنان، پالایش معارف دینی از خرافات و سنت‌های غلط و احادیث ضعیف و غیر معتبر، جداکردن مرز شریعت از عادت و قرائت انسان‌شناسانه بایسته‌ای از دین، نمونه‌زمینه‌های بازنگری معرفت‌شناختی در حوزه مطالعات زنان است. نمونه مباحث زیرمجموعه‌ای مبادی مزبور عبارتند از:

۱. مبنای گرفتن اندیشه ترقی در پرداخت نظام‌واره آموزه‌های دین و پرداخت نوگفتمان ترقی مناسب برای ایران معاصر، خاستگاه راهبردی رویکردشناختی لازم به موضوع «زنان - توسعه»؛
۲. ورود «زن» در طول دو دهه اخیر از وجوه مختلف انسانی، جنسیتی و مدنی به عرصه تحقیقات، دین‌پژوهی و مطالعات استراتژیک و گذار از اثبات جایگاهی برای آنان در معادلات اجتماعی و غلبه نگرش انتقالی - حمایتی تا شکل‌گیری استراتژی فعال جنسیتی بر مدار اصل خودتوانمندی زنان در مشارکت توسعه‌ای؛
۳. سامان‌دهی حوزه مطالعات زنان از دیدگاه زن در فرآیند ترقی (رشد فردی و اجتماعی) به عنوان زمینه شکل‌گیری نظریه دین‌شناختی توسعه جنسیتی و مطالعات استراتژیک زنان؛
۵. وجوه گوناگون احیای فکر دینی، مؤثر در بازخوانی نگرش «زن و ترقی».

شناخت انسان، گام اول در تبیین و تحلیل علوم انسانی است. در مبانی انسان‌شناسی، انسان، موجودیت قابل تحقق از مجرای آگاهی، احساس، اراده‌ورزی و کنش مستند به این آگاهی و احساس، در نسبت با خویش، هستی، جهان و با دیگر آدمیان است. زن یا مرد بر مدار این وصف مشترک انسانی، سطح خاص وجودی در نوع ترجمان احساسی و رفتاری (به مثابه بیان حقوقی و فقهی و نمادگرفته در آن) می‌گیرد. تشخیص انسانی، دو سطح تحلیل دارد:

۱. تشخیص جنسی در گام بروز وجودی به طور خاص در حوزه احساس و عمل؛
۲. تشخیص استعدادی، بی تفاوت میان زنان و مردان.

### مبانی پارادایمی نظریه زن

در نشست‌های برگزارشده نظریه رشد - توسعه قرآن کریم در دو ماه بهمن و اسفند، مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی نظریه، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند. در مبحث هستی‌شناسی، زن در هستی خویش، انسان در نسبت با خداوند دانسته می‌شود و از این چشم‌انداز، این هستی‌داری به انسان تعریف می‌شود.

آیات ۲ تا ۱۲ سوره نسا، تمامی نظام احکام زنان را در خود دارد و فلسفه‌ای که برای آن ترسیم می‌کند در آیه ۱۳ است که «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ».

بآیه ۱۳، این مبانی هستی‌شناسی برای نظام احکام زنان، فهرست می‌شود:

۱. احکام زنان بر مدار خواهانی فوز، رویش و فلاح یا نظریه رشد شکل می‌گیرد؛

۲. احکام دین، قواعد زیست کلی حاکم بر حرکت است؛

۳. مضمون هویت‌بخش حکم، عبودیت و طاعت خدا و رسول صلی الله علیه و آله و سلم است. مهم، نوع جهت‌گیری جریان زندگی است.

هم‌چنین ذیل مبانی هستی‌شناسی نظریه، مباحث زیرمحل تأمل قرار گرفت:

۱. هستی دارای یک نظام معین و شامل طبیعت و امور ماورا و به تعبیری دو عرصه غیب و شهود، عرصه و بستر حقیقی حضور انسان و خاستگاه تبیین نقش بنیادین او در زندگی است؛

۲. خداوند، حقیقت و کانون هستی و جهت زندگی‌ها و پاسخ‌چرایی‌ها و چگونگی‌های انسان است. ایفای نقش هستی‌شناسانه او فراتر از هر جنس است؛

۳. هستی و زندگی هدف‌دار و آفرینش انسان، غایتمند و مبتنی بر غرضی حکیمانه است و اگر آدمی زندگی در راستای این غایتمندی هستی را بشناسد و بخواهد، می‌تواند رهسپار به سوی «رشد» باشد. خداوند، معنی‌بخش جهت هستی و زندگی است و عبودیت، نقش هستی‌شناختی ما آدمیان است؛

۴. نیاز به رویش و فلاح، بنیادی‌ترین باید حیوانی آدمیان (زنان و مردان) است.